

پالا اور دن



مایکل...

مراقب خودت باش.



و چند وقت دیگه  
به ملک و املاک رومانوها  
سر بزن.



میتونیم  
باهم یه نوشیدنی  
بنوشیم.





باشه.

منتظر اون روز  
میمونم.





دکتر الیزه  
بانوی چراغدار

پتر ۱۴۱

ادیتور

March Evangelion

مترجم

YRONIS



میخواهی  
اسم حزب سیاسی  
رو عوض کنی؟



با این وضعی که الان وجود داره  
نمیتونیم با اسم "حزب اشراف"  
ادامه بدیم.

راستش این اسم از  
اولش هم مسخره بود.



عجب، اون حتی تمام ثروت خاندانش  
رو به خاطر عذرخواهی از  
کاری که مارکس مرحوم انجام  
داده بود اهدا کرد.





حالا که دیگه قرار نیست  
اسمش حزب اشراف باشه، چه اسمی  
میخوای براش بزاری؟

"حزب چراغ" چطوره؟

**هاها**

لیزه وقتی بفهمه حتما  
یه چیزی میگه.



درسته، از لقب لیزه  
ایده گرفتم.

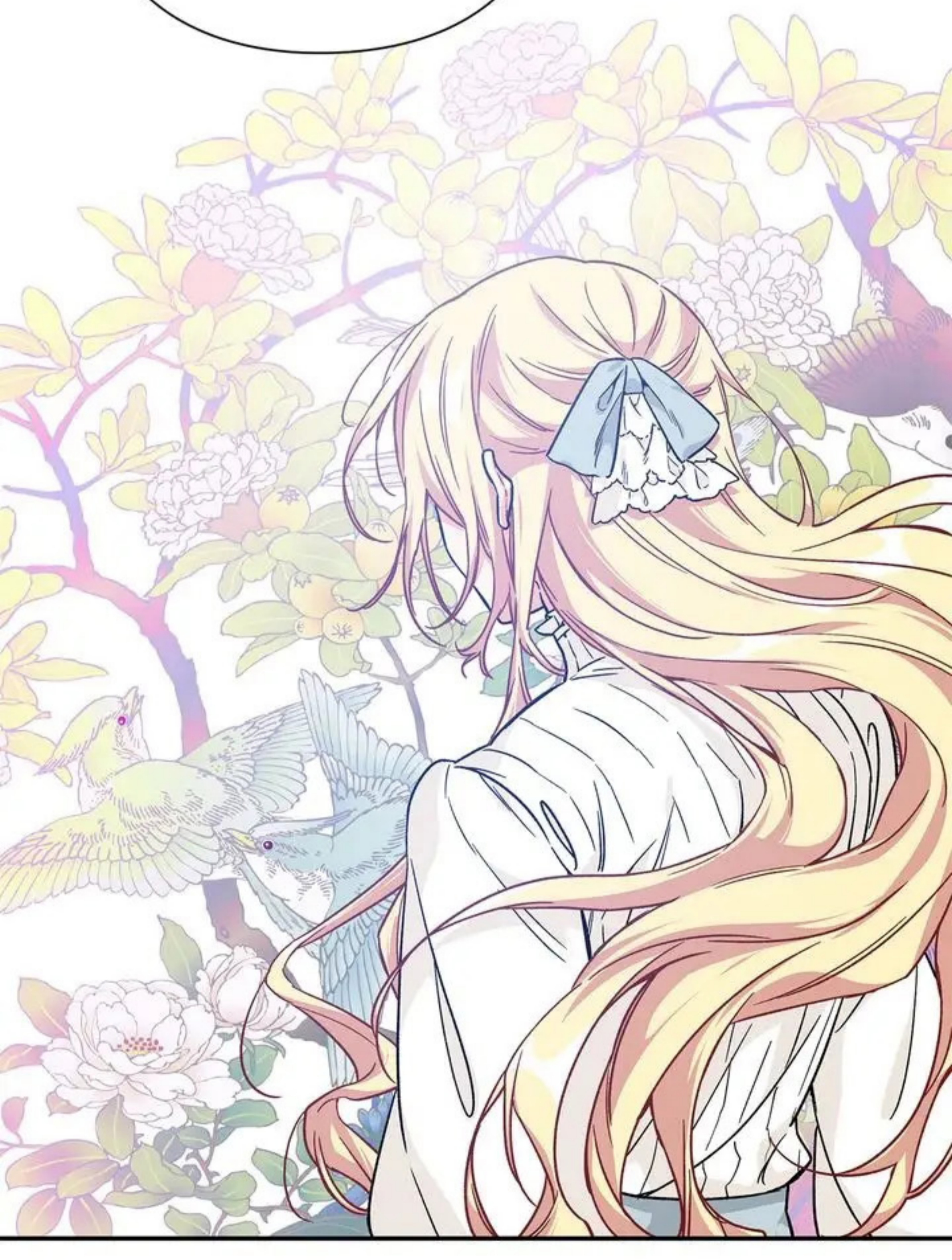
**فنده آروم**

در اصل، این اسم قرار بود  
نشونه هدفمون برای  
روشن کردن آینده امپراطوری  
بریتیا باشه!

ولی همه میخواستن  
برای ابراز تشکر این لقب  
رو به لیزه بدن.



چون الیزه هممون  
رو نجات داد.





همم



خب فکر کنم همینطوره.  
حالا چرا کمی با من قدم  
نمیزی؟

من به دسرفروشی  
خوب میشناسم.

داری ازم درخواست  
یه قرار دیگه میکنی؟



آره.

میدونی، آرزوی من اینه که  
داماد خاندان چایلد بشم.





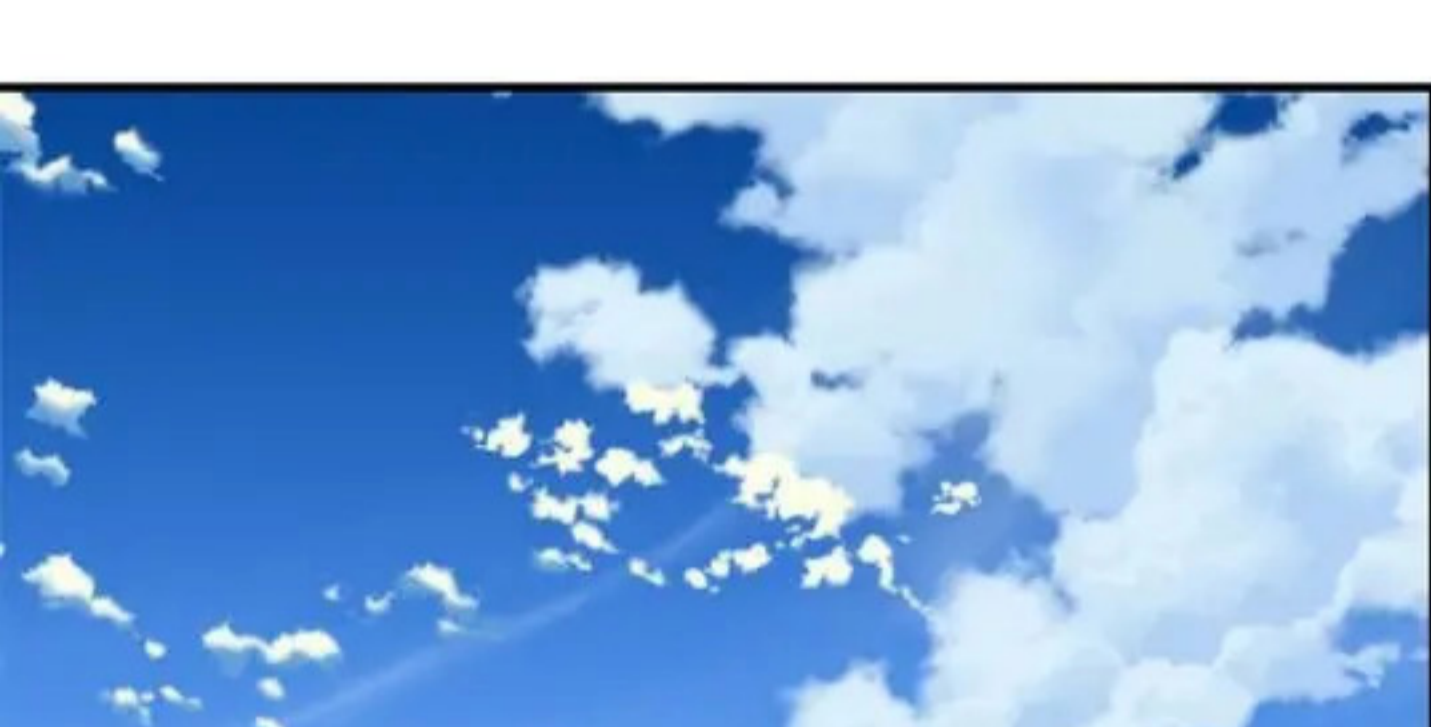


امروز رو موود خوبی ام...  
پس فکر کنم میتونم همراهیت  
کنم.



این ناحیه رو هم به  
همین ترتیب مداوا  
کنین...

چشم!



امروزم عالی بودی.  
کارآموز من بودن  
سخت نیست؟





بانو جی.



خیلی خوشحالم که  
از آموزش های فوق العاده  
شما بهره میبرم!



کنت الیزه هم از  
کارآموزی شما شروع کرد،  
درسته؟

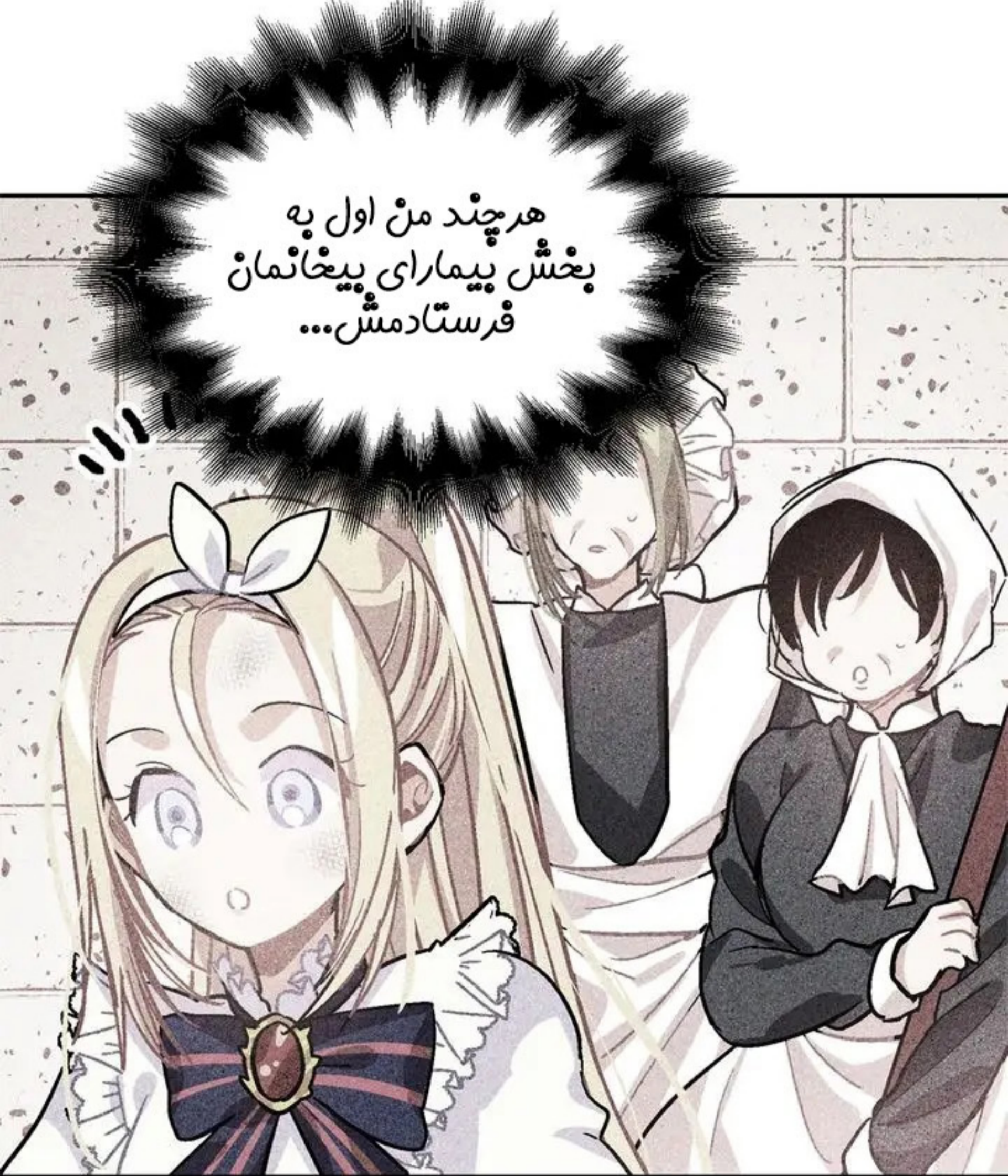


درسته.

خنده آروم



هرچند من اول به  
بخش بیمارای پیخانمان  
فرستادمش...



منم... میتونم...  
به خوبی ایشون بشم؟



البته

تو همراه ما توی  
جزیره کریم مبارزه کردی،

و به خاطر شایستگیها  
توی بیمارستان کراس سلطنتی  
پذیرفته شدی.



باید به خودت  
افتخار کنی.

البته من میخوامم این مسیر  
رو ادامه بدم چون برای کنتس  
احترام قائل بودم،

اما شما هم اونموقع  
فوق العاده بودین  
دکتر گراهام.



اون زمان همه  
در خطر بودن،

اما شما اول برای  
محافظت من اومدین.



برای همین میخوام  
سخت تلاش کنم  
تا دلتون به خوبی  
هر دو شما بشم!





**زیرلبا**

...به اون زمان  
که فکر میکنم تن و بدنم  
میلرزه...

بیشید؟

...هیچی.



**اهم**

به هر حال،  
برای درس بعد  
میینمت.

بشا



خش



اگه فوراً میخوای بری

مشغول کارت بشی چاره ای  
جز دزدیدنت ندارم.

قدم

قدم



رن!



نمیدزدمت،

ولی مگه بیشتر کارات  
تموم نشده؟

درسته، اما...

میخوای منو کجا ببری؟

یقیناً

تو انتخاب کن.  
من بهت فرصت خاص  
انتخاب جایی که میخوایم  
بریم رو میدم.



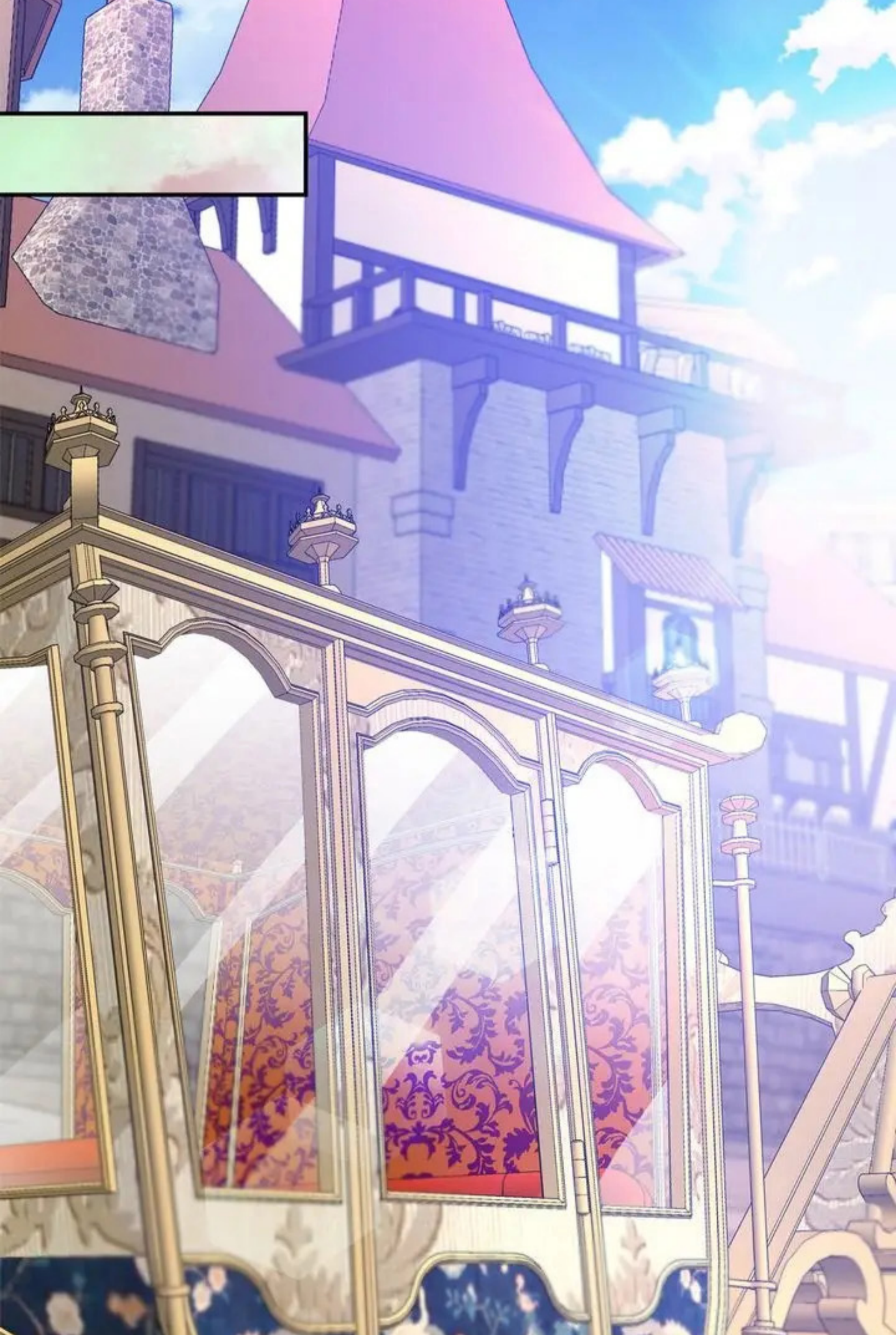
...راستش من میخوام  
اقیانوس رو همراه تو بینم.

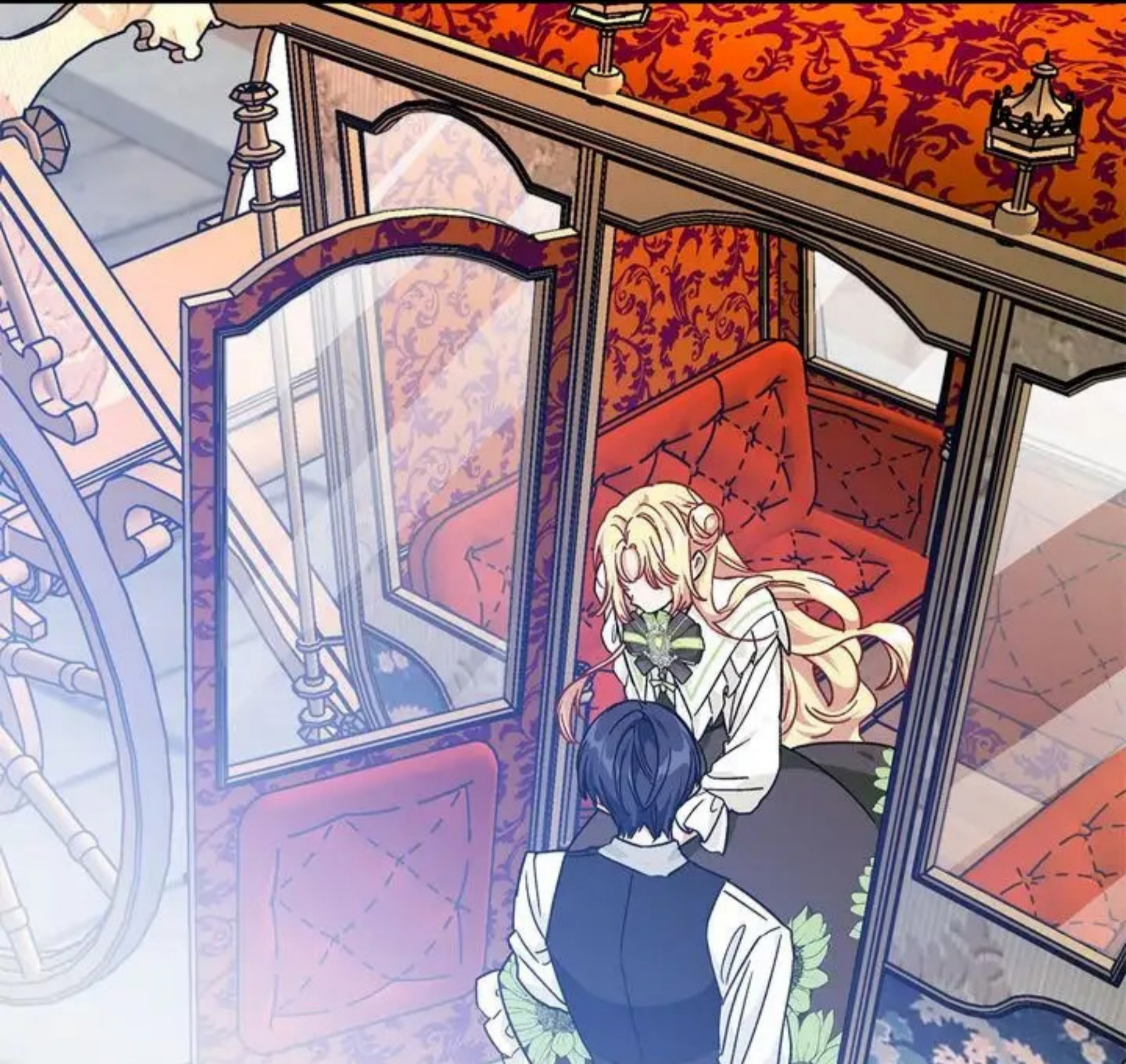


باشه پس ميريم  
اقيانوس.

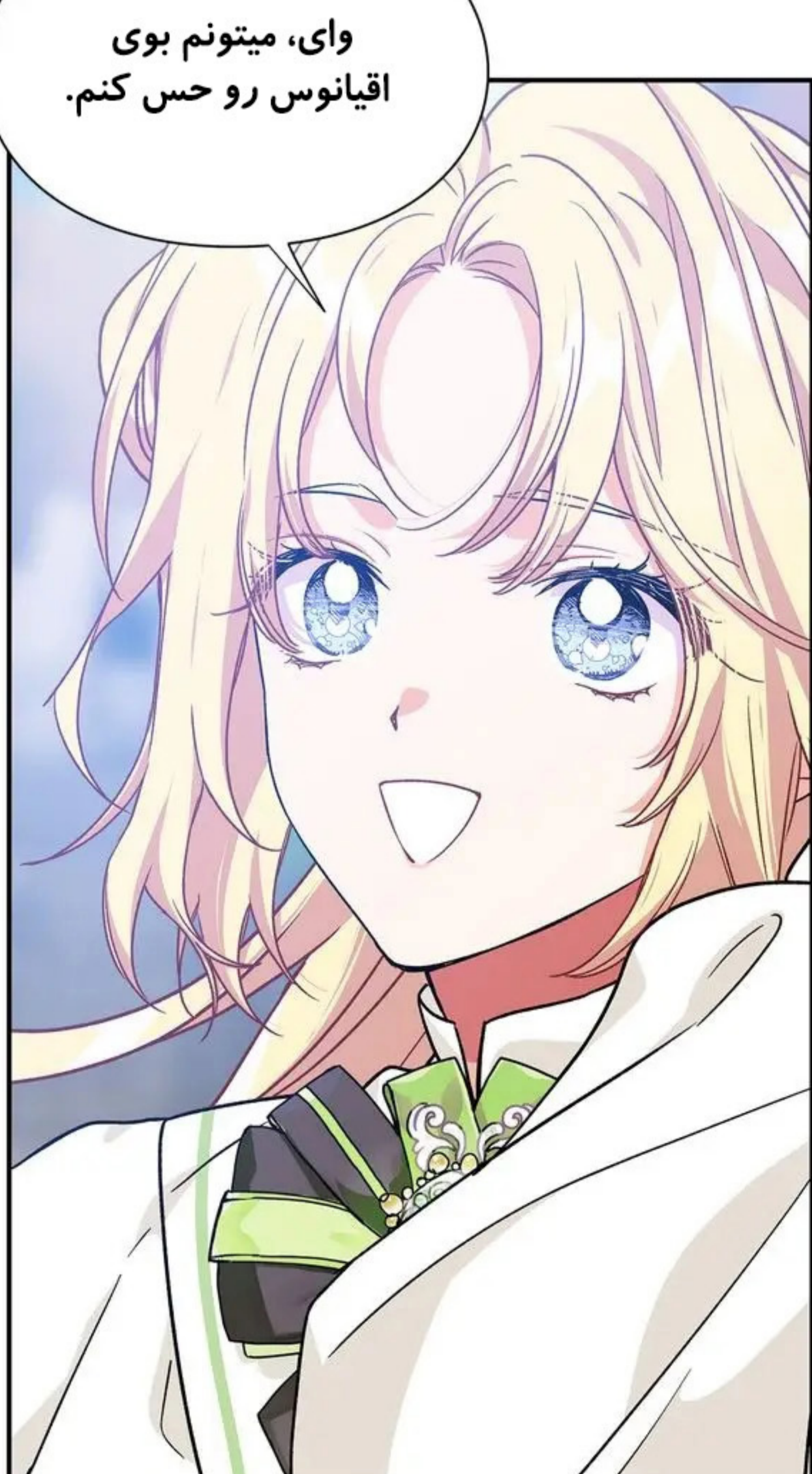
من هر چي لازمه رو  
آماده ميکنم.

تو خیلی خوبی...





وای، میتونم بوی  
اقیانوس رو حس کنم.



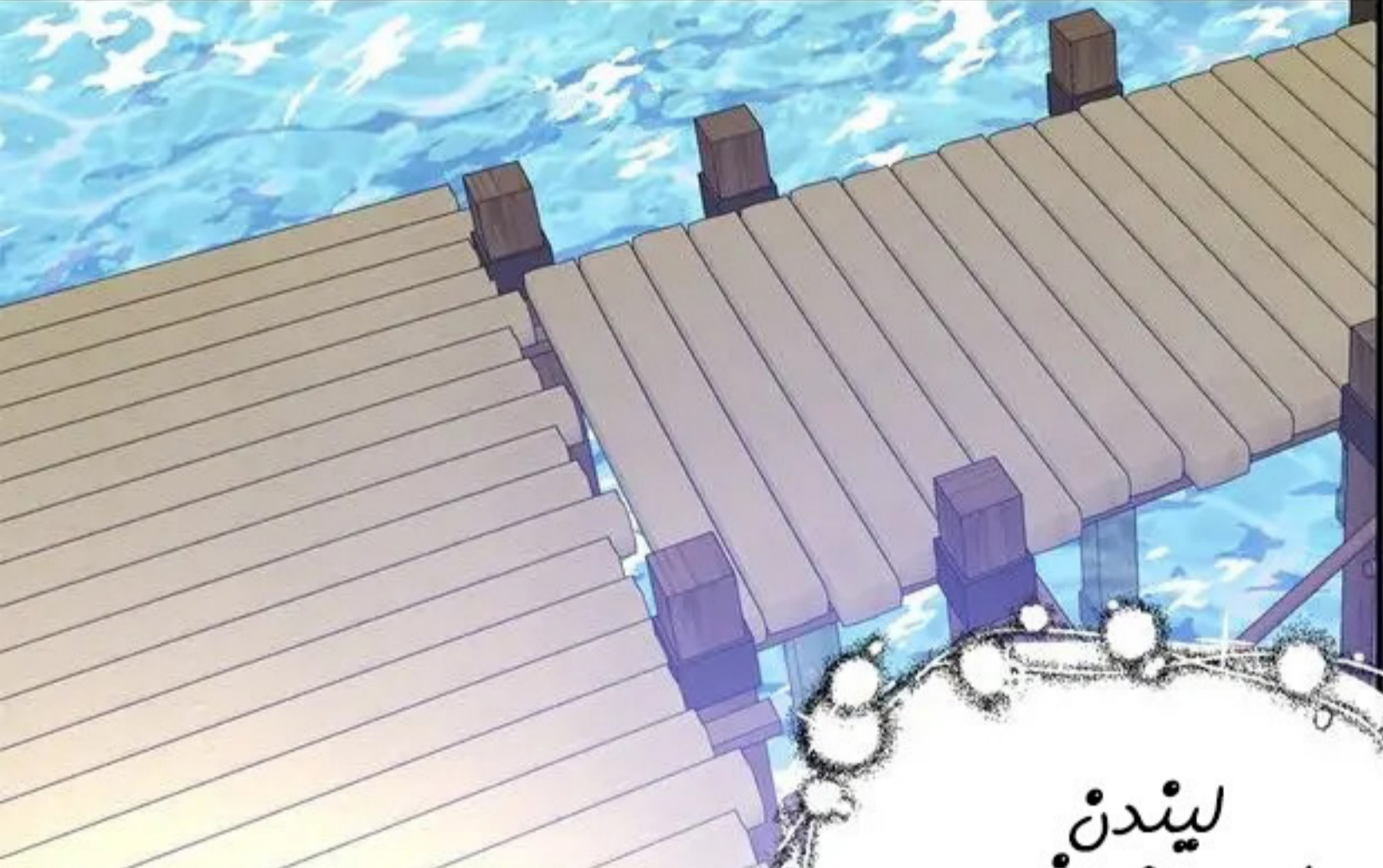
چون نزدیک پائیزه،  
هوا داره خنک تر میشه.

بہت  
خوش میگذره؟

بله!



خوبه.



لیندن  
یکم عوض شده.  
مطمئنم.

شاید بهتره بگم  
یکم نرم شده.



به نظر میرسه  
به آرامش رسیده،  
انگار که به بار سنگین از روی  
دوشش برداشته شده  
باشه.



مُدارو شکره.

کاش میرفتیم  
یه بندر بهتر.

ولی زیاد وقت نداریم.

به نظر من که اینجا  
به اندازه کافی قشنگه. از اینجا  
خوشم میاد.

جاهای دیدنی زیادی هست  
که میخوام با تو برم.  
با من میای؟



الآن!





ادغام كدارى...  
...KIDARI

MIRANKA

  
kidari STUDIO  
(주) 키다리아엔티



کیپی لگی



م. من غلط خوردم  
بیخشی



پم جاش پیاتو  
تیمموک



واو شق های  
گاد.....



با کله رفتن در تيمشان